

"زندگی به عنوان نامزد
امپراطور"



مترجم :

Aralia

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

₪_§_§12

کلینر :

Akane

@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guyss



تایپیست :

Suyori

@FlaxenGuys



تو هم شنیدی؟

چیو؟

اعلیضرت تا وقتی که این جلسه تموم نشه، تو هر چیزی که مربوط به این جلسه باشه شرکت نمیکنه.

تازه نامزدش از خودش عجیب تره، دیگه برای کار به دفتر اعلیضرت نمی ره.

اون تا تموم شدن جلسه به یه بنفش دیگه منتقل می شه.

این چه وضعشه؟

Chimpa: طراح
Saebyeon Yuseong: نویسنده
Orange Track: محصول

(40)

عجب!

این لعنتی رو یادم نمیاد!

حق با شماست. وضعیت اقتصادی.

مگه همه همین کارو نمیکنن؟

همه

اگه این وضع ادامه پیدا کنه، آسای زیادی نمی تونن قسر در برن!

این قضیه قبلا تموم شده، پس چرا بیهوشی داره مطرحش می کنه...؟

می دونم! چرا در مورد چیزی که مال گذشته اس حرف می زنید؟!

به هر حال، اون همه بودجه واقعا زیاده.

همه چی از اتلاف منابع گرفته تا فساد لو رفته.

اینو نمی شه با یه نامه حل کرد، به احتمال زیاد کارشن به دادگاه می رسه.

ممکنه این به دستور اعلیضرت باشه؟

همینطوره، ولی بعدش اعلامیه رسمی صادر نشد.

اون از ۱۱ سال پیش که امپراطور شد، هیچ وقت تو لایحه ها دخالت نکرده.

اعلیضرت انتخاب هوشمندانه ای کرد.

درسته. با گسترش امپراطوری، اعلیضرت نمی تونه همه چیزو اداره کنه.

بفاطر آینده ای امپراطوری، نمی تونیم مجلسی رو که در حال رشد، سرکوب کنیم.

با این حال، نفست وزیر قدرتش خیلی سریع زیاد شد...

آره. علاوه بر اعلیضرت، باید یه شخصیت معوری وجود داشته باشه که قدرت امپراطور رو برای مخالفت با نفست وزیر نشون بده.

یعنی بانو ادل می تونه این نقش رو داشته باشه؟

اگه یکم دیگه صبر کنیم، می فهمیم.



نخست وزیر جواب درست حساسی بهم نمی‌ده... امپراطور و نخست وزیر رو نمی‌تونم درک کنم.



اعلیحضرت بهم اجازه می‌ده که هر کاری می‌خوام انجام بدم.

به هرحال، قرارت دوم تموم شده، برای همین کمیته دائمی به کارش ادامه می‌ده...



تو این فکرم که کمیته‌ی دائمی رو به کمیته‌ی کل تبدیل کنم.

دیوونه‌ای؟



چرخاندرن

کمیته‌ی کل؟ این فقط یه لایحه‌ی کولیکه، بطوری می‌تونن اجازه بی مجلس و سنا درموردش با هم بحث کنن!

این کار برای خیلی دادن به بیس‌هایه که نمی‌تونن برن مرسه! برای اینکه یه پول بنور و نمیر داشته باشن! چرا باید کمیته‌ی کل رو راه بندازی!



با همین بودجه‌ای، بطور می‌تونن اینو بگی.

آه لعنتی، خیلی خب، بوجه به اون موضیای لقمی که پول هار دادن خله می‌کنه! برای همین می‌خوای یه کمیته‌ی کل راه بندازی!



اگه برای همین چیزی کمیته‌ی کل رو راه می‌ندازی، باید صد بار در سال راه بندازیش!



مگه تصمیمتو برای این کار نگرفته بودی؟

آه...

آه، نمی‌خوای. داری سعی می‌کنی این موضوع رو به ساکت‌ترین روش حل کنی، درسته؟ مهارتات هنوزم عالیه کبالت. اگه این طوری پیش بره، فوبه.



این پیام رو به ادک آوریل بده. دیگه ممکن نیست بتونه لغوش کنه.

نمی‌تونه از قرارت سوم فرار کنه، پس صبر کنه و بهش بگو که فراکسیون نماینده‌های مجلس کارشو شروع کرده.



کافیه، می‌تونن بری.

چرخیدن



نخست وزیر
لعنتی... فقط برای
دادن یه پیام منو
صدا کرد.



یه بار دیگه
می پرسم... چرا انقدر از
اون آدم متنفری؟



فدای من،
گفتم که، نگفتم؟



کسی که بیشتر از همه
ارزش متنفرم هارولد گلاستونه.
به زبون آوردن این میزان
ذفرت فحالت آورده.



بسده، نامزدی
رو لغو کن.



تبت پایین
اومده. به هر حال نامزدی
رو لغو کن.



نصف جمعیت
جهانو مردا تشکیل
می دن.



با اینکه نمی تونم یه
مردی مثل اعلیضرت که هم
پولداره هم قدرتمند پیدا کنم، ولی
می تونم یه آدم لایق برات گیر
بیارم.



آه، البته
اولاش سفته.

فوشبفتانه شما ازدواج
نکردید مگه خوبی نامزد
بودن این نیست که لغو
کردنش آسونه؟



موقع نامزدی، اگه کسی
احساس کنه که "آه، این نیست"،
دیگه به عقب نگاه نمیکنه و سر عقل
میاد وقتی دیدم که منی به تعلقه
نامزدی هم نداره، اینو فهمیدم.



مگه امپراطور
بودن همه چیزه؟



خب، این یکمی با
اون چیزی که تو فکر
میکنی، فرق داره...



باشه، باشه. برای
دوستام چند باری پیش
اومده. اول خوب شو و بعد به
مغض اینکه مرفعی گرفتی،
نامزدی رو بهم بزن!



باید شورش کنم!



بعضش من...
درسته، شورش!

یعنی چطور
پیش میره؟

دارم از عصبانیت
منفجر می شم! همشو
بفر!



می دونی یقار تعجب
کردم! تو روزنامهها داریم
که داری علیه نخست وزیر
کار می کنی!



با اینکه پیژ زیادی
از سیاست نمی دونم، ولی
می دونم که نخست وزیر
واقعا آدم ترسناکیه!

بلند
شدن



کی اهمیت می ده
که اون امپراطوره، از
اولین باری که دیدمش
احساس خوبی نسبت
بهش ندارم.

اجازه نمی دم!
مالیات هر یوت رو
دیرتر از همیشه
می فرستم!



این طوری نیست...

گاز گرفتن

مهم نیست
چی می‌شه، مگه
ادل نامزد خودش
نیست؟

بھوی



بھم گفت ازش
مراقبت می‌کنه، اما این طوری
انداختش بیرون؟

اخر خوشحال باش!
من همیشه کنارتم!

بغل



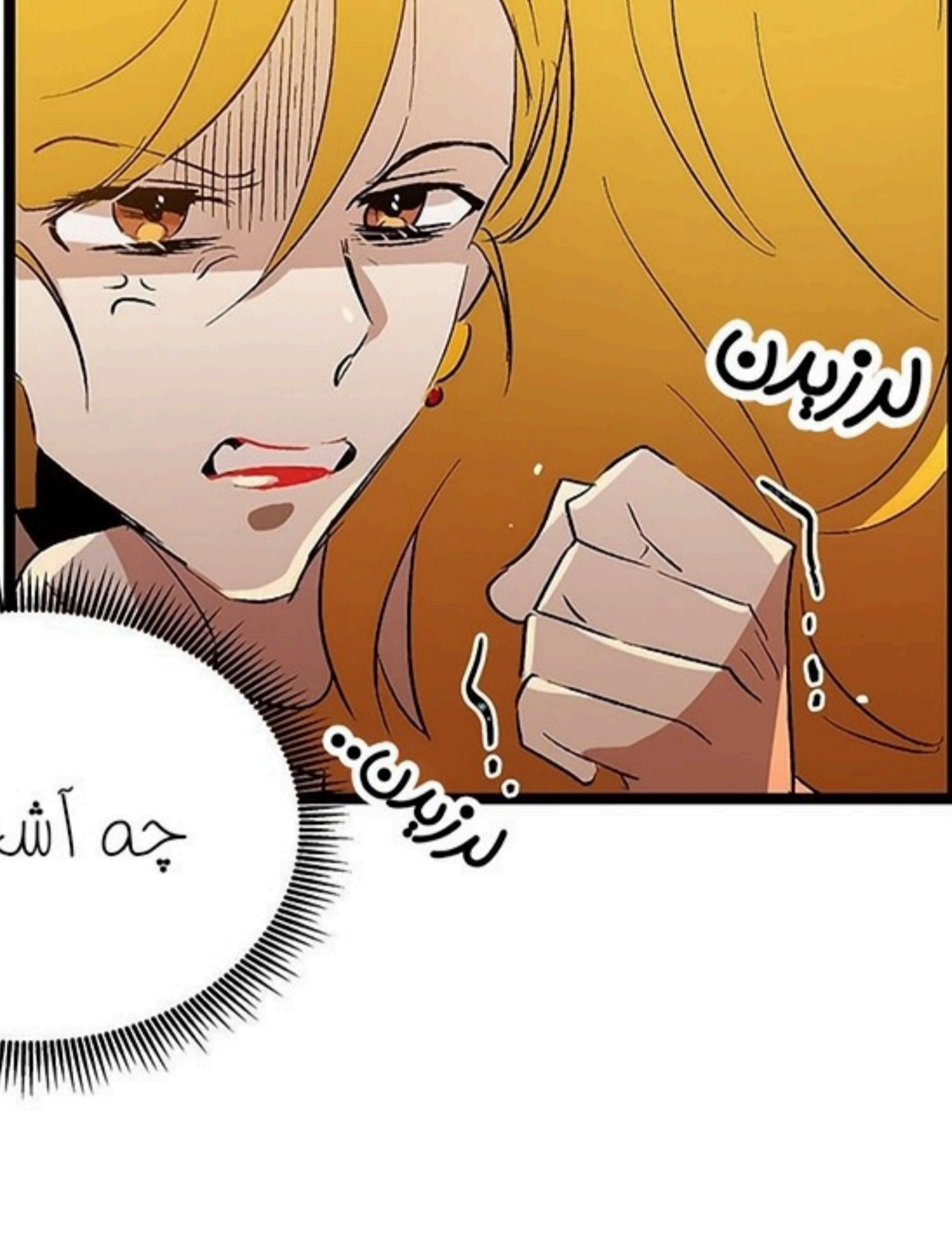
ممنون.

لبخند



امپراطور ادل به این
مهربونی رو جدی بیرون
کرد؟ بیرونش کرد؟

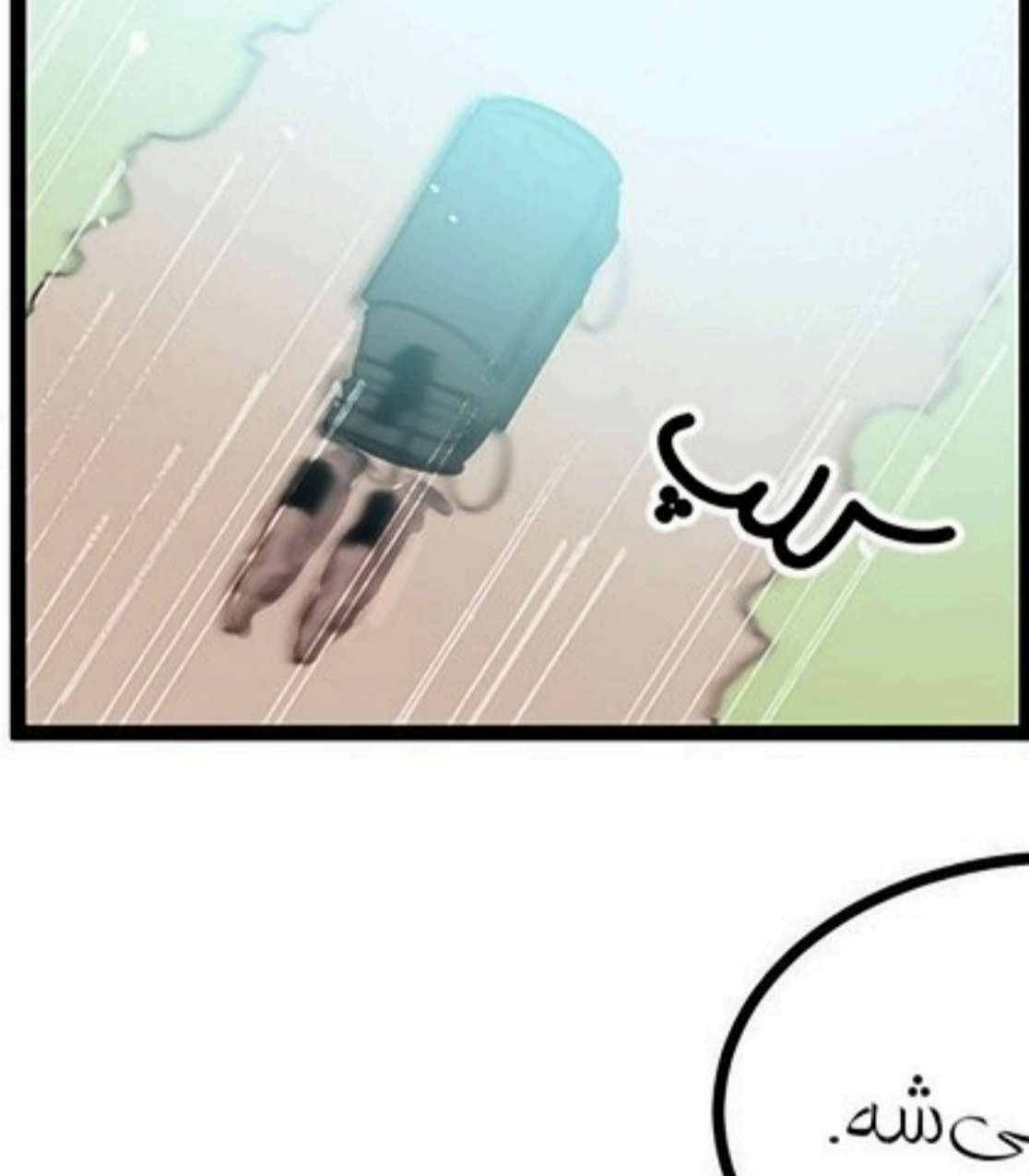
رزیدن



چه آشغالی!

رزیدن

رلیپ



رلیپ

مدتی می‌شه.



همه باید خوب
باشن، درسته؟



رسیدیم،
والا حضرت کایلا.

یه جایی هست
که می‌فوام بینمش،
به اون سمت بریم.

